

بسم الله الرحمن الرحيم

اروپا روی سندان ایران و زیر چکش امریکا؛ سرنوشت توافقنامه هسته‌ای چه خواهد شد؟

(ترجمه)

مشخص است که برنامه هسته‌ای ایران را شرکت‌های فرانسوی و آلمانی در دوران شاه که تابع اروپا مخصوصاً انگلیس بود، ایجاد کردند؛ اما بعد از فروپاشی حکومت شاه در ۱۹۷۹م نفوذ اروپا نیز در ایران به نهایت رسید و ایران به دام امریکا افتاد. اروپا تلاش نمود تا راهی را برای اعاده نفوذ خود در ایران پیدا کند، از این رو مسئله هسته‌ای ایران را بعد از این که در ۲۰۰۳ مخالفین ایرانی بعضی از فعالیت‌های هسته‌ای کشورشان افشا گردید، دامن زد. گفتگوها میان ایران و مثلث اروپائی (انگلیس، فرانسه و آلمان) به علاوه روسیه و چین جریان یافت؛ چنانچه ایران در آن سال پروتوکولی را با پایگاه جهانی انرژی هسته‌ای به امضاء رساند که بر اساس آن اجازه تفتیش فوری انرژی هسته‌ای را داشت. این مسئله دوباره در ۲۰۰۵ بعد از این که ایران روند غنی‌سازی انرژی هسته‌ای را از سر گرفت، روی کار آمد. اروپا فشار وارد کرد تا قضیه به سازمان ملل راجع گردید که بعداً روسیه مخالفت نمود و پیشنهاد غنی‌سازی انرژی هسته‌ای را در کشورش نمود و ایران در ابتدا سال ۲۰۰۶ این مسئله را نپذیرفت.

این گونه این حالت تا سال‌های طولانی با فراز و نشیب‌های زیادی ادامه یافت و امریکا تلاش نمود تا این مسئله بدون حل باقی بماند تا این که اروپا را مشغول آن سازد و به وسیله دروغینی دخالت را نپذیرفت که گویا هیچ علاقه‌ای با ایران ندارد و اروپا هم بدون امریکا توان حل این مسئله را نداشت تا این که در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ توافق نامه میان ایران و کشورهای پنج به علاوه یک یعنی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان در مورد برنامه هسته‌ای ایران به امضاء رسید. بناءً ایران برای رفع تحریم‌ها در مقابل امریکا کوتاه آمد تا این که به نفع امریکا در منطقه بعد از انقلاب‌ها در آن نقش بازی کرد و مخصوصاً انقلاب سوریه که رنگ اسلامی گرفت و منافع امریکا را در منطقه به چالش می‌کشید؛ چنانچه اوپاما به این موضوع اعتراف کرد.

بناءً ایران با بی‌شرمی کامل شروع به تطبیق این نقش پلید نمود و اموالی را که از جانب امریکا بلاک گردیده بود، باز گردانیده و در این راه مصرف نمود تا این که هفت میلیارد دالر آن در امن قرار گیرد. حالآنکه اروپا از این حالت راضی نبود؛ زیرا هدف امریکا را به خوبی می‌دانست و امریکا توافق نامه را با گفتگوهای مخفی همراهی ایران به نتیجه نهائی رسانده بود و اروپا تلاش نمود تا آن‌ها را شکست دهد؛ اما زمانی که ناکام گردید، مجبور به موافقت شد تا تاثیر بین‌المللی اش را حفظ نماید و منافع آن محقق شود و فشار هایش را ادامه دهد تا دست آوردهای زیاده‌تری را کسب نماید. تا اینکه به تاریخ ۲۰/۷/۲۰۱۵ توافق نامه جدیدی صورت گرفت؛ اگرچه این توافق نامه به نفع امریکا بود که اوپاما آن را به عنوان یک عمل تاریخی لقب داد و تبلیغاتی بود برای کسب آرای دیموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۱۶ و تحکیم نقش ایران در منطقه مخصوصاً در سوریه. اما اروپائی‌ها این فرصت را به هدف دست‌آوردهای اقتصادی غنیمت شمردند و جمهوری خواهان با این توافق نامه مخالفت نمودند؛ برای این که مخالفین شان در انتخابات پیروز نگردد.

بعد از این که جمهوری خواهان به قدرت رسیدند، ترامپ رئیس جمهور امریکا در ۸ می ۲۰۱۸م این توافق نامه را از بین برد، وی گفت: «چون شرایط در سوریه تغییر نموده و حالا خطر سقوط نظام وجود ندارد. بناءً نیازی به ایران در آن جا نیست.» روسیه و اردوغان نقش مهمی را بعد از ایران و حزب آن در لبنان به نفع امریکا در از بین بردن انقلاب اسلامی و تحکیم نظام سیکولار

که مزدور امریکا بوده، انجام دادند؛ زیرا گمام می‌کردند که اروپا از این توافق‌نامه به نفع خود سود برده است. امریکا تصمیم گرفت توافق‌نامه دیگری را در ضمن جنگ اقتصادی که ترامپ به تاریخ ۲۰۱۸/۳/۲ م بر دوست و دشمن اعلان نمود، با ایران امضاء کند که منافع اروپا را به خطر مواجه کند.

ایران با حمله امریکا سازگاری دارد و به نفع وی می‌چرخد و می‌داند که امریکا قوی‌ترین نفوذ بین‌المللی را در سطح جهان دارد. بناءً اروپا را با ترک گفتن از توافق‌نامه هسته‌ای تهدید می‌کند و برای اولین بار به تاریخ ۲۰۱۹/۵/۸ م تحریم‌ها بر آن کاهش یافت، هم‌چنان برای بار دوم به تاریخ ۲۰۱۹/۷/۷ م و برای بار سوم به تاریخ ۲۰۱۹/۹/۷ م و از تاریخ ۲۰۱۹/۱۰/۶ م برای چهارمین بار تهدید می‌کند تا تحریم‌ها کاهش یابد. هر اندازه که اروپا از لیبیک گفتن به در خواست‌ها تأخیر می‌کند و امریکا تحریم‌هایش افزوده می‌گردد و تهدیدات ایران بالا می‌گیرد. همه این‌ها به نفع امریکاست که از بین بردن توافق‌نامه را هدف قرار داده است. اروپا تلاش نمود تا راهی را برای رسیدن به عواید نفتی‌اش خارج از نظام تحویلات مالی جهانی امریکائی پیدا کند.

هم‌چنان فرانسه تلاش نمود تا امریکا را قناعت دهد که ایران را اجازه دهد تا قدم اعتباری را به ارزش پانزده میلیارد دالر که معادل به حقوق چهار ماهه نفتی می‌شود، در مقابل پایبندی به توافق‌نامه هسته‌ای، ضمانت امنیت خلیج و گشایش مذاکرات در مورد امنیت منطقه و مرحله بعد از سال ۲۰۲۵ در وقت انتهای بندهای توافق‌نامه بر دارد؛ اما امریکا این پیشنهاد را نپذیرفت و فال اروپا به نتیجه نرسید؛ بلکه امریکا تحریم‌های جدیدی را علیه ایران که شامل شانزده کیان، یازده کشتی و ده نفر در ایران می‌شد وضع کرد. این کار امریکا به چالش کشیدن واضح اروپا و به مخاطره انداختن منافع تجاری‌اش در ایران بود.

اروپا به توافق‌نامه متمسک می‌شود؛ زیرا این توافق‌نامه منافع اقتصادی و سیاسی او را فراهم می‌کند، به گونه که توانائی نشستن با امریکا را برای بستن توافق‌نامه پیدا کرده که قدرت بین‌المللی وی را بلند می‌برد. امریکا می‌خواهد دست آوردهای اروپا را از بین برده و او را به حاشیه براند تا دنبال امریکا روان باشد نه در ردیف وی؛ هم‌چنین با روسیه و چین نیز چنین می‌کند. بناءً امریکا می‌خواهد توافق‌نامه را تنها با ایران به امضاء برساند که چوکات آن را خودش مشخص نماید تا منفعت اصلی را برای خودش و آن‌چه باقی می‌ماند به دیگر کشورها برسد. این واضح است که امریکا در مذاکره با کوریای شمالی چین را به حاشیه می‌راند، در حالی که چین در در این منطقه صاحب نفوذ است؛ اما بخاطر ضعف سیاسی نتوانست امریکا را وادار نماید تا مذاکرات سه جانبه باشد.

هم‌چنین امریکا مذاکرات شش جانبه را همراهی کوریای شمالی که در آن روسیه، چین و چپان اشتراک می‌کردند، لغو نمود تا تنها تصمیم بگیرد و نکته دیگر این که تأکید کند که او یگانه دولت بدون رقیب در سطح جهان است تا این که به تنهائی روابط بین‌المللی را مشخص نماید و دیگران به آن پایبند باشند، اگر چنین نکنند بر آن‌ها فشار آورده و تحریم وضع می‌کند تا افکار عمومی را علیه آن‌ها تحریک نماید؛ چنانچه در مسئله تروریسم همه کشورهای جهان مطیع آن شده و در جنگ با آن همگام شدند و قوانین آن را پذیرفتند و هرکسی که قوانین وی را نپذیرد او را به همکاری با تروریسم متهم نموده و بر وی تحریم وضع می‌کند تا مورد تنفر افکار عمومی قرار گیرد. پس این گونه امریکا در قضایا عمل می‌کند، سلطه و منافع خود را تحمیل تأمین می‌نماید.

از اینرو اواضح می‌گردد که تلاش‌های اروپا بسیار سست و ناکام است؛ زیرا گمان می‌رود که توافق‌نامه عملی نگردد و تنها در حد حرف باقی بماند، اروپا با این کار راضی می‌گردد تا این که در زمینه مهیا شود و بخاطر حفظ دست‌آوردهایش درنگ نماید، در حالی که امریکا می‌خواهد توافق‌نامه را با ایران به تنهایی منعقد نماید که دیگران را به حاشیه براند و ایران نیز با این کار امریکا هم‌خوانی دارد. ایران همیشه ناتوانی اروپا را به دلیل موقف امریکا از اروپا، حمله می‌کند؛ اما مشکلات دیگری نیز وجود دارد که بستن قرار داد را به صورت داخلی و خارجی به تعویق می‌اندازد که بر آن غلبه می‌کند؛ زیرا ترامپ می‌خواهد کاری را انجام دهد که زمینه پیروز شدن وی را در انتخابات پیش رو فراهم سازد.

ایران یک دولت ملیت‌پرست است که اختلافات مذهبی را دامن زده و از آن بهره‌برداری می‌کند. وی در رکاب امریکا به دنبال فراهم کردن هدف خود می‌باشد و بخاطر منافع خود نفوذ امریکا را قوی می‌سازد. چنانچه از اعمال وی در سوریه، عراق و افغانستان واضح می‌گردد. حالآن که دولت خلافت راشده بر منهج نبوت است که به زودی اقامه خواهد شد و با هیچ کسی در مورد ساختار جنگی و اسلحه هسته‌ای خود مذاکره نمی‌کند و دخالت هیچ کسی را نمی‌پذیرد؛ بلکه آن چه را که شریعت امر نموده است، انجام داده و برای هراس دشمن امکانات فراهم می‌کند.

نویسنده: اسعد منصور

۲۴ صفر ۱۴۴۱ هـ.ق

۲۳ اکتوبر ۲۰۱۹ م

مترجم: رامین بارز